Scientific Journal

PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 17, Summer 2024, No. 64

Civic Ethics and the Challenge of Global Citizenship

Seyyed Hossein Momeni [1] \ Masuod Azarbaijani [2]

1. PhD student in Islamic Studies, Islamic Ethics Department, University of maaref,Qom, Iran. (Corresponding author).
shmshm1353@gmail.com
2. Professor, Department of Psychology, Research Institute of the Seminary and University, Qom, Iran.

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.05.14
Accepted:
2024.08.08

Abstract

Civic ethics, from the perspective of Islam, are the norms and values that govern the behavior and relationships of citizens in society, which are derived from Islamic principles. Civic ethics guides citizens towards growth and excellence and develops commitment, participation, and responsibility among citizens. In the process of globalization, two factors, new technologies and global organizations, will affect civic ethics. The urban world creates challenges in civic ethics because this process is based on principles that conflict with the moral norms and values of the Islamic approach. This article, using a descriptive-analytical method, shows that in the process of globalization, global organizations, by enacting laws and global media with a specific approach, seek to change moral boundaries, eliminate values, and replace their desired culture as the norm for citizens. Such a society will gradually be emptied of its Islamic and moral identity, and the morality governing its citizens will become the morality of a global citizen, creating a platform for citizens' activities based on global criteria. In order to prevent the spread of this globalization process, it is recommended to pay attention to the unique discourse of Islamic ethics and the creation of social structures from the family to global organizations.

Keywords Citizenship ethics, global citizen, urban world, new technologies, global organizations., globalization.

Cite this article: Momeni, Seyyed Hossein & Masuod Azarbaijani (2024). Civic Ethics and the Challenge of Global Citizenship. *Pazhuhesh Name-E Akhlaq*. 17 (2). 9-36. DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.7

DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.7

Publisher: Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
النشرة الاخلاقية
جامعة المعارف الاسلامية
السنة ١٧ / الصيف عام ١٤٤٦ / العدد ٦٤

أخلاقيات المواطنة وتحدى المواطن العالمى

السيد حسين المؤمني [١] / مسعود أذربيجاني [٢]

١. طالب دكتوراه في تدريس المعارف الإسلامية، فرع الأخلاق الإسلامية، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران. (الكاتب المسؤول).

shmshm1353@gmail.com

٢. أستاذ في قسم علم النفس، معهد الحوزة والجامعة للبحوث، قم، إيران.

معلومات المادة	ملخّص البحث
نوع المقال: بحث **تاريخ الاستلام:** ١٤٤٥/١١/٠٥ **تاريخ القبول:** ١٤٤٦/٠٢/٠٣	إنّ في وجهة نظر الإسلام تعتبر أخلاقيات المواطنة، المعايير والقيم السائدة على سلوك المواطنين وعلاقاتهم في المجتمع، وهي مستمدة من الأسس الإسلامية. توجّه أخلاقيات المواطنة، المواطنين نحو التنمية والتمييز وتعزّيز الالتزام والمشاركة والمسؤولية بين المواطنين. يؤثّر أمران في عملية العولمة على أخلاقيات المواطنة، وهما التقنيات الحديثة والمنظمات العالمية. تسبّب الكوسموبوليتية تحدّيات في أخلاق المواطنة. ذلك أنّ هذه العملية تقوم على مبادئ تعارض المعايير والقيم الأخلاقية في الاقتراب الإسلامي. يحاول المقال باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وراء الإشارة إلى أنّ في عملية العولمة، تسعى المنظمات العالمية خلال فرض القوانين والإعلام العالمي باتباع منهج خاص نحو تغيير الحدود الأخلاقية وحذف القيم واستبدال ثقافتها المنشودة كمعيار عند المواطنين. سيفقد مثل هذا المجتمع هويته الإسلامية والأخلاقية وستتحوّل الأخلاق السائدة على مواطنيه، إلى أخلاق المواطن العالمي، ما يهيّئ أرضية لأنشطة المواطنين وفقا للمعايير العالمية. يُقترح التركيز على خطاب الأخلاق الإسلامية الفريد وبناء هياكل اجتماعية من الأسرة إلى المنظمات العالمية، منعا لانتشار عملية العولمة هذه.
الألفاظ المفتاحية	أخلاقيات المواطن، المواطنة المعولمة، الكوسموبوليتية، التقنيات الحديثة، المنظمات العالمية، العولمة.
الاقتباس:	المؤمني، السيد حسين و مسعود أذربيجاني (١٤٤٦). أخلاقيات المواطنة وتحدي المواطن العالمي. *مجلة علمية النشرة الاخلاقية*. ١٧ (٢). ٣٦ ـ ٩. DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.7
رمز DOI:	https://doi.org/10.22034/17.64.7
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
پژوهش نامه اخلاق
دانشگاه معارف اسلامی
سال ۱۷، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۶۴

اخلاق شهروندی و چالش شهروند جهانی

سید حسین مؤمنی [۱] / مسعود آذربایجانی [۲]
۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).
shmshm1353@gmail.com
۲. استاد تمام گروه روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۹ ـ ۳۶)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳/۰۲/۲۵
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۵/۱۸

چکیده

اخلاق شهروندی از دیدگاه اسلام هنجارها و ارزش‌های حاکم بر رفتار و روابط شهروندان جامعه است که برگرفته از مبانی اسلامی می‌باشد. اخلاق شهروندی، شهروندان را به سمت رشد و تعالی هدایت می‌کند و تعهد و مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری را در بین شهروندان توسعه می‌دهد. در روند جهانی شدن، دو عامل فناوری‌های نوین و سازمان‌های جهانی بر اخلاق شهروندی تأثیرگذار خواهد بود. جهان شهری چالش‌هایی را در اخلاق شهروندی ایجاد می‌نماید چرا که این روند مبتنی بر مبانی است که با هنجارها و ارزش‌های اخلاقی با رویکرد اسلامی تعارض دارد.این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی بیانگر آن است که در روند جهانی‌شدن سازمان‌های جهانی با وضع قوانین و رسانه‌های جهانی با رویکرد خاص به دنبال تغییر مرزهای اخلاقی و حذف ارزش‌ها و جایگزین نمودن فرهنگ مطلوب خود به عنوان هنجار در شهروندان می‌باشند چنین جامعه‌ای به تدریج از هویت اسلامی و اخلاقی خویش تهی گشته و اخلاق حاکم بر شهروندان آن، اخلاق شهروند جهانی خواهد شد و بستری برای فعالیت‌های شهروندان بر اساس ملاک‌های جهانی ایجاد می‌نماید. جهت جلوگیری از گسترش این روند جهانی‌شدن، توجه به گفتمان بی‌بدیل اخلاق اسلامی و ایجاد ساختارهای اجتماعی از خانواده تا سازمان‌های جهانی پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی اخلاق شهروندی، شهروند جهانی، جهان شهری، فناوری‌های نوین، سازمان‌های جهانی، جهانی شدن.

استناد: مؤمنی، سید حسین و مسعود آذربایجانی (۱۴۰۳). اخلاق شهروندی و چالش شهروند جهانی. *پژوهشنامه اخلاق*. ۱۷ (۲). ۳۶ ـ ۹. DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.7

کد DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.7

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

الف) بیان مسئله

شهروندی[1] مفهومی جدید است که سبب طرح مسائل گسترده‌ای شده است. از مباحث مهم شهروندی، اخلاق شهروندی[2] است. یکی از موضوعاتی که شهروندی به آن می‌پردازد، شهروند خوب و مسئولیت‌پذیر از جهت اخلاقی و اجتماعی است (Chido, 2006: 66[3] ۱۹۹۹ به نقل از: چیودو وینرا). در آموزه‌های دینی، حاکمیت موظف به رشد و توسعه اخلاق و ارتباط اخلاقی با شهروندان است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) و شهروندان نیز در قبال یکدیگر باید احساس مسئولیت و مشارکت کنند:

> وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل‌عمران / ۱۰۴).
> و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند.

اخلاق شهروندی در اسلام مبتنی بر دغدغه‌مندی حاکمیت و مردم در قبال رشد و توسعه فضایل اخلاقی در جامعه است. هویت جمعی شهروندان، روابط اخلاقی و احساس مسئولیت و مشارکت‌پذیری، تعهدات خاصی را بر آنان حاکم می‌گرداند؛ تا آنجا که در صورت ترک فعل و بی‌توجهی به یکدیگر، خداوند متعال وعده عذاب به آنها داده است (اسرا / ۱۶).

اسلام توجه خاصی به اجتماع دارد. این اجتماع دارای شئون مختلفی است که از مهم‌ترین آنها اخلاق شهروندان است؛ تا آنجا که پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله هدف از بعثت خویش را اتمام مکارم اخلاق بیان فرمودند (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۶۸ / ۳۸۲). امروز روند جهانی‌شدن مبتنی بر اندیشه‌های لیبرالیسم جهانی است که به‌دنبال ایجاد شهروند جهانی است و در عرصه‌های مختلفی تأثیرگذار است. یکی از مهم‌ترین این عرصه‌ها اخلاق شهروندان است. جهان‌شهری ساختار اجتماعی ویژه‌ای را به وجود خواهد آورد و به‌همین‌ترتیب ارزش‌های جدیدی را با ارائه الگوهای جدید و تغییر در هویت افراد ایجاد خواهد کرد؛ مشارکت‌پذیری و تعهدات اخلاقی شهروندان از مرزهای ملی به مرزهای فراملی تغییر پیدا می‌کند و در جهت اهداف خاص پایه‌ریزی می‌گردد. بدون تردید این روند، اخلاق شهروندی را به چالش خواهد کشید؛ چراکه شهروندان دچار تعارض در دو سطح شهروند ملی با ارزش‌های اخلاقی معین و شهروند جهانی با هنجارهای اخلاقی جایگزین و خاص خواهند شد. در این روند تغییر، دو مؤلفه، پیش‌ران و شتاب‌دهنده هستند: فناوری‌های نوین در عرصه رسانه و سازمان‌های جهانی.

---

1. Citizenship.
2. Citizenship ethics.
3. Coke.

سازمان‌های جهانی کمک مؤثری به توسعه جهان شهروندی کرده‌اند. آنها قوانینی را وضع می‌کنند که با هنجارها و ارزش‌های اخلاقی پذیرفته‌شده شهروندان، سازگار نخواهد بود؛ همچنین رسانه‌ها در سطح جهان از لحاظ درونی، هویت شهروندان را دچار تغییر و تحول می‌گردانند و اهداف و ارزش‌های آنان را تغییر می‌دهند. این چالش، افراد را دچار چندگانگی و درنهایت عدم جزمیت و تغییر هویت خواهد کرد.

ایجاد گفتمان اخلاق جهانی بنابر مبانی اسلامی و توجه به ساختارهای اجتماعی مانند خانواده می‌تواند اصالت فرهنگی و هویت اجتماعی افراد را حفظ کند. در این تحقیق که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، چالش جهان‌شهری و اخلاق شهروندی در دو عرصه رسانه‌های جهانی و سازمان‌های جهانی بررسی خواهد شد و راهکارهایی با رویکرد اسلامی در این زمینه پیشنهاد می‌گردد.

ب) تعریف اخلاق شهروندی

تعریف اصطلاحی شهروندی می‌تواند دارای تفاوت‌هایی باشد، اما تقریباً با عبارات متفاوت، یک مضمون مورد پذیرش است.

وارنر[1] در تعریف شهروند، در دانشنامه اخلاق کاربردی گفته است:

> شهروندی یک هویت عمومی است که توسط دولت به‌عنوان یک موقعیت رسمی شناخته می‌شود و دارای توانایی برخورداری از حقوق و امتیازات ناشی از آن موقعیت توسط یک فرد است. شهروندی تعلق ذهنی به هویت عمومی یک کشور است. اعطای شهروندی نشان می‌دهد که یک کشور چه جایگاهی برای خود قائل است و چه اهمیتی که به ویژگی‌های خاص مردمش می‌دهد (Warner, 1999, 445).

ریچارد بلامی[2] در دانشنامه دانشگاه آکسفورد در قسمت شهروندی چنین نوشته است:

> شهروندی عبارت است از عضویت در یک جامعه سیاسی که در آن، همه شهروندان می‌توانند شرایط همکاری اجتماعی را برابر تعیین کنند. این جایگاه نه‌فقط حقوق برابر برای بهره‌مند شدن از خدمات جمعی فراهم‌آورده توسط مشارکت سیاسی را تأمین می‌کند، بلکه همچنین وظایف برابر برای اشاعه و ارتقا و برای حفظ و نگهداری آنها را هم در بر می‌گیرد (بلامی، ۱۳۹۴: ۳۵).

فالکس در کتاب شهروندی (فالکس، ۱۳۹۸: ۱۳) معتقد است: شهروندی هویتی پویاست و چون در

1. Warner.
2. Bellami.

مورد روابط انسانی است، تعریف ساده و ایستا را که برای همه جوامع و در همه زمان‌ها به کار رود، برنمی‌تابد؛ اما درعین‌حال برخی از عناصر را لازمه آن می‌داند.

موقعیت شهروندی بر حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت، کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند، می‌پذیرد؛ درعین‌حال استقلال فردی‌اش را نیز بر او ارزانی می‌دارد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس می‌یابد که از نظر محتوا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند، لیکن همیشه بر پذیرش کارگزاری و فعالیت سیاسی دارندگان آن حقوق دلالت دارند.

بنابراین ویژگی کلیدیِ معرف شهروندی، اخلاق مشارکت است. شهروندی موقعیتی فعالانه است که با هر نوع سلطه ناسازگار است؛ خواه منشأ سلطه، دولت، خانواده، کلیسا و هر نیرویی باشد که ما را به‌عنوان فرد مستقل و قادر به اداره خود، به‌رسمیت نشناسد. شهروندی یک ایده دوجانبه است. پس یک ایده اجتماعی است و صرفاً نمی‌تواند مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد دیگران خارج کند. حقوق برای تحققشان همیشه به چارچوبی نیازمندند. چنین چارچوبی که شامل دادگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و ... می‌شود، بدان نیاز دارد که همه شهروندان وظیفه خود را در حفظ آن ایفا کنند. پس شهروندی علاوه بر حقوق، متضمن تعهد نیز هست (فالکس، ۱۳۹۸: ۱۳).

شهروندی، رابطه متقابل میان حاکمیت و شهروندان، و بیانگر ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی و حقوقی و مسئولیت‌های متقابل بین افراد است.

۱. اصول اصلی اخلاق شهروندی

در این مقاله به‌دنبال تبیین اصول اخلاق شهروندی نیستیم، لیکن به برخی از اصول مهم آن اشاره می‌شود.

یک. اصل مشارکت و حضور در عرصه‌های اجتماعی

یکی از جلوه‌های اخلاق شهروندی، مشارکت است. حکومت‌ها همیشه برای این مشارکت باید تعالی و آموزش‌ها و انگیزه‌های لازم را در شهروندان ایجاد کنند. شهروندان جامعه اسلامی در امور اجتماعی، مانند معیشت، مشکلات و نابسامانی‌های جامعه اسلامی یا شهروندان، حضور فعال و مشارکت دارند. درواقع جذابیت شهروندی به‌خاطر ایده همکاری است که در بستر اجتماعی ایجاد می‌گردد و باعث پایدار ماندن روابط انسانی می‌گردد (همان). فارابی نیز در طرح مدینه فاضله، هر شهری را که شهروندانش با تعاون و یاری یکدیگر باعث رسیدن جامعه به سعادت گردند، مدینه فاضله قلمداد می‌کند و آن امت را امت فاضله می‌نامد و اگر این یاری و تعاون و حضور فعال و مسئولیت‌پذیری، توسعه یابد و به سطح جهانی برسد، جامعه جهانی فاضله معموره شکل می‌گیرد (فارابی، ۱۳۷۹: ۲۵۵).

شهروندان اسلامی در قبال دیگران مسئول‌اند و باید فعالانه تلاش کنند مشکلات دیگران را سامان دهند و به آن بی‌توجه نباشند. در منابع اسلامی فراوان این آموزه‌ها وجود دارد که به برخی اشاره می‌شود. روایت معروف پیامبر با بیشترین تأکید، شرط مسلمانی را اهتمام به امور مسلمین و مسئولیت داشتن در قبال دیگر شهروندان بیان کرده: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَصْبَحَ لا يَهْتَمُّ بِأُمورِ الْمُسْلمينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۶۳)؛ آن که صبح کند و دغدغه مسلمانان را نداشته باشد، مسلمان نیست».

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «کونا للظّالم خصماً و للمظلوم عوناً (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)؛ دشمن ستمکار و یاور ستمدیده باشید» و این حضور همواره باید مورد توجه باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «محبوب‌ترین افراد در نزد خداوند، نیکوترینشان در برخورد با عیال خداوند است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۶۴). حضور اجتماعی و عمل به دستورات، برای افزایش همدردی و همبستگی با شهروندان، نیاز جامعه توحیدی است.

دو. اصل مدارا

انسان‌ها دارای منش‌ها و بینش‌های متفاوتی هستند و این اختلاف، یکی از واقعیت‌های جوامع انسانی است. مسلماً همواره و همیشه، افرادی با نظر و فکر و منش ما هم‌عقیده و در یک راستا نیستند. اصل مدارا درواقع راهبردی مشخص برای همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران است.

مدارا یعنی نرم برخورد کردن با دیگران و در حق آنها خشونت روا نداشتن، نرم برخورد کردن، همدلی نمودن و تحمل دیگران تا از انسان فرار نکنند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲ / ۱۸۱۱۹). مدارا در برخی از روایات اسلامی آمده است و در سیره اهل‌بیت علیهم السلام نیز موارد متعددی وجود دارند؛ ازجمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

> اِنّا اُمِرْنا مَعاشِرَ الاَنْبياءِ بِمُداراةِ النّاسِ، كَما اُمِرْنا بِاِقامَةِ الْـفَرائِضِ (مجلسی، ۱۴۱۵: ۷۵ / ۷۵).
> ما پیامبران، همان‌گونه که به برپا داشتن واجبات مأمور شده‌ایم، به مدارا کردن با مردم نیز مأمور شده‌ایم.

حضرت امیر در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

> كان دائِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلْقِ، لَيِّـنَ الْجانِبِ، لَيْسَ بِفَـظٍّ وَ لا غَـليظٍ (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱ / ۴۲۴).
> پیامبر خوش‌رو و خوش‌خلق بود و هرگز خشن نبود.

درواقع مدارا یک اصل اعتقادی است که بروز رفتاری دارد و هیچ‌گاه به‌معنای تغییر اعتقاد یا بر حق دانستن طرف مقابل از جهت اعتقادی نخواهد بود. باید با فرد مقابل، همدلی کرد؛ چون ممکن است

ناآگاهانه، به عقیده باطل تمایل پیدا کرده باشد؛ اما با عقیده او هیچ‌گاه اظهار همدلی نباید گردد، بلکه باید با شرایط خودش بطلان عقیده‌اش را به او گوشزد کرد.

سه. اصل متعهد بودن شهروندان

یکی از مفاهیم بیان‌کننده ارزش‌های اخلاق اجتماعی در اسلام، وفای به عهد است که موجب تعمیق و گسترش روابط اجتماعی می‌گردد، یکی از عوامل ایجاد سرمایه اجتماعی و اعتماد است، و علاوه بر رشد فضایل فردی، رشد فضیلت اجتماعی نیز به‌دنبال دارد. انسان اخلاق‌مدار در حوزه شهروند اسلامی کسی است که اخلاقاً متعهد شده است که دروغ نگوید، حق کسی را ضایع نکند و ... . این التزام درونی که انسان به‌وسیله اختیار در خود ایجاد می‌کند، منشأ تعهد درونی و موجب رفتار بر اساس آن التزام است. تعهد درونی، زمینه‌ساز تعهدات اخلاقی در حوزه شهروندی است. امروزه گستره تعهد، به مناسبت روابط گسترده، توسعه یافته است: تعهد به دولت، سازمان‌ها، نهادها؛ تعهدات و قراردادها؛ تعهد به گروه‌ها، اصناف؛ و تعهدات خانوادگی، شغلی، حقوقی و قانونی؛ و منظور از تعهد، تعهد به‌معنای مصطلح است که فرد در مقابل دیگری یا دیگران، به سببی عهده‌دار انجام یا ترک فعالیتی شده است. وفای به عهد و متعهد بودن، اصل دین و دین‌داری معرفی شده است. امام علی‌ﷺ می‌فرمایند: «**أصلُ الدِّینِ أداءُ الأمانَةِ و الوَفاءُ بِالعُهُودِ**» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳: ۱۲ / ۳۴۷).

و خداوند فرمود:

> وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مؤمنون / ۸).
> و آنان‌که به امانت‌ها و عهد و پیمان خود کاملاً وفا می‌کنند.

از جلوه‌های مهم دین‌داری، پایبندی به تعهدات در جامعه و اجتماع است که موجب تقویت پیوندهای اجتماعی می‌گردد و در سلامت جامعه و انسان تأثیرگذار است.

تعهد به همه لازم‌الوفاء است و اسلام انجام آن را در هر صورت لازم می‌داند و فرقی بین شهروندان مسلمان یا اهل ذمه یا حتی کافر وجود ندارد.

> ثَلاثٌ لَیْسَ لاَحَدٍ مِنَ النّاسِ فیهِنَّ رُخصَةٌ: بِرُّ الْوالِدَینِ مُسْلِما کانَ اَوکافِرا وَ الْوَفاءُ بِالْعَهْدِ لِمُسْلِمٍ کانَ اَو کافِرٍ وَ اَداءُ الاَمانَةِ اِلی مُسْلِمٍ کانَ اَو کافِرٍ (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۱۶).
> سه چیز است که ترک آن برای هیچ‌کس جایز نیست: نیکی به پدر و مادر مسلمان یا کافر؛ وفای به عهد با مسلمان یا کافر؛ و ادای امانت به مسلمان یا کافر.

همچنین حضرت می‌فرمایند: در برابر پیمانی که بسته‌ای و امانی که داده‌ای، خود را سپر ساز؛ زیرا

هیچ‌یک از واجبات خداوندی که مردم با وجود اختلاف در آرا و عقاید، در آن هم‌داستان و هم‌رأی هستند، بزرگ‌تر از وفای به عهد و پیمان نیست؛ حتی مشرکان هم وفای به عهد را در میان خود لازم می‌شمردند؛ زیرا عواقب ناگوار غدر و پیمان‌شکنی را دریافته بودند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

چهار. اصل عدالت

در آموزه‌های اسلامی، یکی از دلایل مهم ارسال پیامبران و حکومت، ایجاد قسط و عدالت در جامعه است.[۱] عدالت، توزیع عادلانه امکانات و ثروت میان افرادی است که دارای حقوق برابرند. ساز و کار دستیابی به کاهش نابرابری‌های اجتماعی، مانند دستیابی به حداقل‌های لازم برای زندگی یا تناسب میان هزینه و پاداش است؛ هرچقدر این تناسب مراعات نگردد و با افزایش هزینه‌ها، پاداش ثابت باشد یا به‌صورت منفی تغییر کند و فرد زیان‌ده گردد و شیب زیاد افزایش یابد، در اینجا عدالت توزیعی مراعات نشده است و لذا شهروند رفتار عاطفی نامناسب، مانند پرخاشگری و خشونت از خود بروز می‌دهد. طبق دیدگاه ریتزر، اگر عدالت توزیعی در جامعه مراعات گردد، وفاق و همدلی و همکاری در جامعه توسعه می‌یابد (ریترز، ۱۳۷۹: ۳۲۵)؛ برعکس، اگر افراد احساس محرومیت و تبعیض کنند، به هنجارهای اجتماعی توجه نخواهند کرد ارزش‌های جمعی را خدشه‌دار خواهند کرد و از هویت جمعی فاصله می‌گیرند و هرچقدر عدالت توزیعی مراعات گردد، افراد به‌سمت هویت جمعی گرایش پیدا می‌کنند و همبستگی اجتماعی و در نتیجه امنیت اجتماعی توسعه می‌یابد. حضرت علی‌علیه‌السلام در قضاوت بین زن ایرانی و زن عرب، زن ایرانی را به‌حق دانست و در هنگام اعتراض زن عرب فرمودند: «من بین زن عرب و زن ایرانی تفاوتی نمی‌بینم» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵ / ۱۰۷).

پنج. اصل صداقت

صداقت مصدر «صدق»، و به‌معنای پاک بودن و تمام بودن از باطل و خلاف است، و صدق، معیار حق بودن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۲۵). صدق گستره معنایی و کاربردهای متفاوتی دارد: الف) در سخن، معروف‌ترین معنای صدق، سخن و خبر مطابق با مخبرعنه است. ب) در اعتقاد، به‌معنای مطابق با حق و واقع بودن باور است. ج) صدق در سخن انشایی، دربرگیرنده انشا مطابق قلب و نیت خالص است. د) در احساس به‌معنای بروز و ظهور احساسات مطابق حس درونی است. هـ) و در عمل به این معناست که عمل تمام شرایط لازم را داشته باشد.

صداقت تمام حیطه‌های کلام، رفتار و باور را شامل می‌گردد و نقطه مقابل آن، کذب است؛ یعنی

---

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید / ۲۵).

چیزی که خلاف واقع و حق باشد. پس تمام عرصه‌ها مشمول کذب نیز می‌گردد.

صداقت در اخلاق اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در تفسیر آیه ۱۷۷ سوره بقره، علامه طباطبایی صداقت را جامع همه فضایل می‌داند؛ چون حیطه‌ای از ساحت‌های وجودی انسان نیست که صداقت، آن را در بر نگیرد؛ برخلاف فضایل دیگر، مثل شجاعت که مربوط به عرصه وجودی خاصی است. ایمان و اخلاق در صورتی به کمال خواهد رسید که انسان در زبان و رفتار خود از آن پیروی کند. در آیات متعدد قرآن مانند آیه ۱۵ سوره حجرات و آیه ۲۳ سوره احزاب، صداقت از ویژگی‌های مؤمنان واقعی بیان شده است. حضرت علی‌علیه‌السلام صدق را ایمان می‌دانند: «الصدق رأس الدین» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۴۳۹). صداقت ساختار وجودی انسان را در همه حوزه‌ها و عرصه‌ها در بر می‌گیرد و بروز و ظهور آن حتی فراتر از عرصه‌های زمانی و مکانی است. به همین دلیل از اصول اخلاقی مهم شمرده شده است. صداقت در حوزه اخلاق شهروندی، در دو حیطه سازمانی و روابط شهروندان، می‌تواند باعث همدلی و اعتماد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی گردد. اعتمادسازی در بین شهروندان، و بین آنها و مسئولین، از عوامل مهم افزایش سرمایه اجتماعی است. شهروند عاصی شهروندی است که از وضعیت جامعه ناراضی است و مهم‌ترین دلیل نارضایتی او نبود صداقت است. تجلی صداقت نقش مهمی در اخلاق شهروندی دارد و جریانی در جامعه ایجاد می‌کند که بر روابط و رضایتمندی افراد تأثیر زیادی دارد و مؤلفه مهم سرمایه اجتماعی و اخلاق شهروندی است. ازآنجاکه اخلاق شهروندی، روابط بین شهروندان و سازمان‌ها و نهادها (حاکمیت) می‌باشد، هرچقدر سرمایه اجتماعی توسعه یابد، شاهد رشد و تعالی اخلاق شهروندی خواهیم بود؛ و برعکس، هرقدر شاهد نزول سرمایه اجتماعی باشیم، به معنای افول اخلاق شهروندی است. دو رکن اصلی و مهم سرمایه اجتماعی، اعتماد و مشارکت مدنی است که رابطه مستقیم با صداقت افراد و حاکمیت دارد؛ به عبارت دیگر، هر مقدار صداقت در جامعه توسعه یابد، سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد و به‌تبع، اخلاق شهروندی وضعیت بهتری پیدا می‌کند. صداقت باعث می‌شود افراد به یکدیگر اعتماد کنند و در سطح جامعه فعالانه به تعامل و مشارکت بپردازند و مناسبات اجتماعی به‌سهولت و بدون کوچک‌ترین دلهره و ناامنی انجام شود. اعتماد به افراد و نهادهای حکومتی باعث طیب خاطر شهروندان و همکاری و مشارکت فعالانه در عرصه‌های اجتماعی خواهد بود و مهم‌ترین رکن توسعه جامعه، افزایش سرمایه اجتماعی است.

پاتنم[1] که یکی از جامعه شناسان یهودی آمریکایی است، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم مانند اعتماد و صداقت، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب مشارکت بهینه اعضای اجتماع شده و

1. Robert D. Putnam.

درنهایت، منافع متقابل آنها را تأمین می‌کند (الوانی، ۱۳۸۱: ۱۷). اعتماد و کنش متقابل در نظر او مهم‌ترین عناصر کنش‌های جامعه‌اند.

شش. اصل زیست عقلانی

زیست عقلانی همان اخلاقی زیستن است. درواقع اخلاقی زیستن، نوع خاصی از زیست عقلانی است. عقلانیت انسان اقتضا می‌کند برای کارها و فعالیت‌های خود دلیل داشته باشد و ازآنجاکه اخلاق در ساحت‌های وجود آدمی حضور دارد، پس ما باید به زیست اخلاقی، شناخت اخلاقی و ملاحظات آن توجه کنیم که به‌صورت دلیل بر ما عرضه می‌گردد. اخلاقی زیستن درواقع زندگی کردن بر اساس دلیل است و نوع خاصی از زیست عقلانی است. عقلانیت اخلاقی یعنی تناسب دلیل اخلاقی با مدعای اخلاقی انسان در هنگام تصمیم‌گیری و عمل که نیازمند تأیید و تصویب عقل است و آن نیز متوقف بر وجود دلیل مناسب است که آن تصمیم یا عمل را از نظر عقلانی توجیه می‌کند.

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۲۵ سوره نحل معتقد است که پیامبر موظف به استفاده از روش‌های برهان و دلیل، موعظه نیکو و مناظره و جدال احسن به اقتضای شرایط مخاطب بوده است. منظور از حکمت، دلایل قطعی و برطرف‌کننده هر نوع شک می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۳۷۱). تعقل اخلاقی زمینه رسیدن به بصیرت اخلاقی است. در آموزه‌های اسلامی، از جهت اخلاقی، آنچه باید مورد تعقل قرار بگیرد، خود انسان است.

بر اساس آیه ۴۲ انفال، علامه جعفری معتقد است زندگی باید مستند به دلیل روشن (حیات معقول) باشد که تکیه‌گاه عقلانی دارد و فرد در این حیات، خود را از آلودگی‌ها و رذایل اخلاقی، دور می‌کند. در حیات معقول، از یک طرف عقل نظری و از طرف دیگر عقل عملی (وجدان آگاه و محرک) در استخدام شخصیت رو به رشد انسان است (جعفری، ۱۳۶۳: ۲۰۰).

۲. جهانی‌شدن و تعریف آن

از جهانی‌شدن تعریف واحدی وجود ندارد، اما می‌توان آن را فرایندی دانست که طی آن، محدودیت‌های جغرافیایی و ترتیبات اجتماعی و سیاسی از بین می‌رود (واترز،[1] ۱۳۷۹: ۵۶). شولت[2] معتقد است جهانی‌شدن به‌معنای «قلمروزدایی»[3] است؛ به این معنا که مرزهای جغرافیایی باقی خواهد ماند، اما حاکمیت کشورها باقی نخواهد ماند و محدودیت‌های سیاسی حاکمیت از بین خواهد رفت (شولت، ۱۳۸۴: ۴۸).

1. Waters.
2. Scholte.
3. Deterritorialization.

جان بلامی فاستر، نظریه‌پرداز نئومارکسیست، جهانی‌سازی را مرحله‌ای از امپریالیسم آمریکایی می‌داند که الهام‌گرفته از اندیشه‌های بوش، تا حد زیادی وام‌دار جنگ بر ضد تروریسم جهانی است (فاستر، ۱۳۸۳: ۶۲).

مارتین خور[1]، هرآنچه را که در جهان سوم به نام مستعمره‌سازی از سوی چند کشور رایج است، جهانی‌شدن می‌نامد (خور، ۱۹۹۷: ۱۵)

بنابر آنچه گفته شد، جهانی‌شدن، اخلاق شهروندی را تهدید می‌کند؛ چراکه اصول اخلاق شهروندی با برخی از مؤلفه‌های جهانی‌شدن دچار چالش خواهد شد که به این چالش‌ها اشاره می‌شود.

۳. چالش‌های اخلاق شهروند جهانی

یک. چالش سازمان‌های جهانی

در روند جهانی‌شدن، برخی مؤلفه‌ها از اهمیت ویژه برخوردارند و به این روند سرعت می‌بخشند:

الف) توسعه و گسترش نهادها و سازمان‌های فراملی و ایجاد هنجارهای قانونی جدید برای تنظیم روابط اقتصادی و سیاسی؛

ب) ایجاد هنجارها و ارزش‌های جهانی برای اجتماع جهانی با گسترش حقوق بشر و دموکراسی؛

ج) ایجاد یک تعهد جهانی ناظر بر ارزش‌ها و معیارهای مشترک جهانی.

واضح است که این مؤلفه‌ها به تضعیف حاکمیت ملی خواهد انجامید (واترز، ۱۳۸۳: ۳۴).

بنابراین سازمان‌های جهانی در روند جهانی‌شدن از سه عرصه مختلف استفاده می‌کنند:

تغییر ارزش‌ها و هنجارها

با ایجاد ساختارهای جهانی که در پی تغییر ارزش‌های ملی هستند، ملیت و هنجارهای ملی تضعیف خواهد شد. ارزش‌های جهانی، ارزش‌های سرمایه‌داری است؛ چراکه جهانی‌شدن همزاد سرمایه‌داری است (گل‌محمدی، ۱۳۸۳: ۲۳). عناصر ملیت (جغرافیا، تابعیت، ارزش‌های فضیلت مدنی) از بین می‌رود و اقتدار حاکمیت که مظهر اقتدار ملی است، تضعیف می‌شود. به‌دلیل تغییر ارزش‌های اخلاقی و تضعیف اقتدار حاکمیت، شهروندان با حاکمیت و با یکدیگر، تعلق و ارتباط دوسویه نخواهند داشت. شهروند جهانی همان‌گونه که از مرزهای جغرافیایی رهایی یافته است، از مرزهای فرهنگی متعلق به سرزمین و ارزش‌های اخلاقی و دینی و اجتماعی خویش نیز عبور، و هنجارهای جهانی را جایگزین هنجارهای قبلی خویش می‌کند. درواقع جهانی‌شدن، روند یکی‌شدن جهان در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی است.

---

1. Martin Khor.

شهروندیِ دولت ـ ملت بر پایه ملیت استوار شده است و یک موقعیت رسمی است که دولت آن را به رسمیت می‌شناسد و تعلق به هویت عمومی یک کشور است. وارنر معتقد است روند جهانی‌شدن، این تعلق را به چالش می‌کشد و به تضعیف جایگاه حاکمیت ملی منجر خواهد شد (وارنر،[1] ۱۹۹۷: ۲۱). یکی از دلایل عمده تضعیف دولت‌ها، قوانین و منشورهای جهانی است که ممکن است با هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و ایدئولوژی شهروندان در توافق نباشد. دولت‌ها و شهروندان به‌دلیل آنکه سازمان‌های جهانی از تمام ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی جهان برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برند، ناگزیرند علی‌رغم مخالفت با قوانین آمره، در مقابل آن تسلیم شوند و این به‌معنای تضعیف اقتدار ملی و عضویت جبری در جهان‌شهری است. شهروندان، تابع قوانینی خواهند شد که فراتر از مرزهای جغرافیایی اعتقادی فرهنگی و اخلاقی آنان به تصویب می‌رسد و الزام‌های قانونی و نهادهای فراملی، همه کشورها را مجبور به اطاعت از آن خواهد کرد. ایجاد هنجارها و ارزش‌های اخلاقی جدید در جامعه، بر اخلاق شهروندی تأثیر مستقیم خواهد داشت و چالش‌های اساسی ایجاد می‌کند. میلر[2] که از مدافعان ملیت است، معتقد است با از بین رفتن مرزها، شهروندی که محصول یک فرهنگ ملی است و همینطور ایجاد ارزش‌های فضیلت در جامعه معنا نخواهد شد؛ مسئولیت‌پذیری و مشارکت شهروندان که از شاخص‌های اخلاق شهروندی است (فالکس، ۱۳۹۸: ۱۷۲)، به چالش کشیده می‌شود؛ چراکه شهروندان، خود را در مقابل دو حاکمیت، متعهد می‌دانند: حاکمیت داخلی و حاکمیت جهانی. ازآنجاکه قوانین آمره سازمان‌های جهانی از پشتوانه جهانی برخوردار است، به‌تدریج ارزش‌های اخلاقی شهروندی رو به تغییر می‌گذارد و با آن قوانین، سازگار می‌شود.

همان‌طور که بیان شد، واترز معتقد است جهانی‌شدن، ایجاد یک تعهد جهانی در قبال مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و معیارهای ناظر بر خیر مشترک، در نتیجه دگرگونی اطلاعاتی و آگاهی میان‌فرهنگی و توسعه نظام‌های جهانی و روابط فراگیر جهانی است که با کاهش نقش حکومت‌های ملی همراه است (واترز، ۱۳۸۱: ۳۴).

تأثیرگذاری ارزش‌ها و تغییر آنها در روند جهانی‌شدن، انکارشدنی نیست. فوکویاما[3] معتقد است در روند جهانی‌شدن شاهد نشانه‌های غلبه لیبرال‌دموکراسی بر فرهنگ کشورها در نقاط مختلف جهان هستیم (فوکویاما، ۱۹۹۲: ۱۹۸).

ـ مفهوم‌سازی

از راهکارهای پیشبرد جهانی‌شدن، مفهوم‌سازی برای کلمات اخلاقی در جهت اهداف خاص است؛ به‌دلیل

1. Warner.
2. Miller.
3. Fukuyama.

اینکه آن کلمات، مورد استقبال و تفاهم همه مردم هستند، اما می‌توانند با جهت‌گیری خاصی، استفاده شوند.

یکی از مفاهیم اخلاقی که توانست زمینه توسعه و اقتدار قوانین را فراهم سازد، «انسانی‌شدن»[1] قوانین بین‌المللی بود؛ اما انسانی‌شدن حقوق بین‌المللی به چه معناست؟!

انسانی‌شدن می‌تواند دارای ابهام باشد؛ به‌عنوان مثال، انسانی‌شدن از نظر فلسفی می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد؛ همان‌گونه که کانت[2] انسان را محور جهان قرار می‌داد و علم و اخلاق و دین در صورتی معنادار خواهد بود که در خدمت انسان باشد (کانت، ۱۳۸۱: ۴۰). بنابراین برای روشن شدن مضمون انسانی‌شدن، باید به هدف از کاربرد آن در اسناد و حقوق بین‌الملل، توجه کرد.

انسانی‌شدن حقوق بین‌الملل به‌معنای تغییر جهت حقوق عمومی از دولت‌محور بودن به فردمحور بودن است (Meron, 2006, 1).

هدف از انسانی‌شدن، رهایی افراد از تعلقات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه خویش است. انسان‌محور بودن به‌معنای ایجاد فرایندهای جهانی به‌جهت مشارکت افراد در سطح جهانی و همچنین به‌معنای حمایت از آنها در مقابل دولت‌های ملی و داخل است تا فرد قادر باشد علیه حاکمیت خود به دادگاه‌های جهانی شکایت کند و آنها توان دفاع از او را داشته باشند (Santiago, 2010, 103).

روند جهانی‌شدن با وضع قوانین و حقوق بین‌الملل مانند اسناد حقوق بشر به بهانه انسانی‌شدن، به‌دنبال ایجاد تمدن نوین خود می‌باشد؛ تمدنی که در آن، نقش دولت ـ ملت به حداقل کاهش می‌یابد و تصمیم‌گیرندگان جهانی، سیاست‌های آن را مشخص می‌کنند.

بنابراین انسانی‌شدن زمانی محقق می‌گردد که همه‌چیز در خدمت انسان و بر مدار انسان‌محوری باشد و افراد از تمام وابستگی‌ها و ارزش‌های خویش رها شده، به ارزش‌های جهانی ملتزم باشند. این ارزش‌ها اخلاق شهروندان را به اخلاق شهروند جهانی تغییر خواهد داد.

وضع قوانین

امروزه کنترل رفتار شهروندان با پشتوانه اخلاق شهروندی صورت می‌گیرد و اخلاق در روند جهانی‌شدن با وضع قوانین دیکته می‌شود؛ قوانینی که به‌گونه‌ای شهروندان جهانی را ملزم به اجرا می‌کند و از جهت دیگر ممکن است با ارزش‌های شهروند ملی در تضاد باشد. این دوگانگی باعث ایجاد چالش در رفتار شهروندان خواهد شد. در روند جهانی‌شدن، قوانین به‌دنبال نهادینه کردن اخلاق مورد نظر جهانی در شهروندان دیگر ملت‌ها هستند و در یک فرایند زمانی باعث تغییر ارزش‌های اخلاقی در شهروندان می‌شوند.

---

1. Humanization.
2. Kant.

قوانین با الزام در رتبه نخست باعث تغییر نگرش و باور، و در ادامه باعث تغییر فرهنگ خواهند شد که در رفتار شهروندان بروز و ظهور خواهد یافت.

بر این اساس به دو نمونه از قوانین سازمان‌های جهانی اشاره می‌کنیم که بر اساس مبانی لیبرالیسم (خردگرایی، آزادی، فردگرایی) در وضع قوانین، چالش‌هایی را در اخلاق شهروندی اسلامی ایجاد می‌کند:

الف) یکی از منشورات جهانی، اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مجمع سازمان ملل در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در سی ماده به تصویب رساند.

اعلامیه حقوق بشر داعیه جهان‌شمولی دارد و به‌صورت قواعد آمره برای کشورهای جهان تلقی می‌گردد. در این متن جهانی، نکات مثبتی می‌تواند وجود داشته باشد، اما در اصل تدوین آن نمی‌توان پیش‌فرض‌های فکری اومانیستی و مبانی آن را نادیده انگاشت که ادعای جهان‌شمولی این متن را به‌دلیل بی‌توجهی‌اش به فرهنگ‌ها و ادیان، دچار چالش کرده است. دقیقاً به همین دلیل، کشورهای اسلامی اعلامیه حقوق بشر اسلامی را با ۲۵ ماده در۱۹۹۰در قاهره به تصویب رساندند. در برخی از مفاد اعلامیه حقوق بشر چنین آمده است:

ـ ماده ۲۹: اعلامیه حقوق بشر فقط در اجتماعی که رشد آزاد و کامل فرد امکان‌پذیر است، تکالیفی بر عهده دارد.

ـ ماده ۲۳: هر فرد حق دارد شغل خود را آزادانه انتخاب کند.

ـ ماده ۱۶: مردان و زنان بالغ بدون هیچ‌گونه محدودیتی از جهت نژاد، ملیت یا دین، حق دارند با یکدیگر ازدواج کنند.

ـ ماده ۱۸ و ۱۹: محدوده آزادی، به تغییر دین و آزادی و ابراز عقیده و آموزش آن در جامعه، توسعه پیدا می‌کند.

در اعلامیه حقوق بشر، آزادی با فردگرایی پیوند عمیق دارد؛ خردمندی به‌معنای تشخیص منافع خود است و عقل انسان توانایی اداره زندگی او را دارد؛ پس خرد او، وی را از چیزی که بر او مسلط باشد، رها می‌کند (بصیرنیا، ۱۳۸۱: ۷۴).

بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان در قبال هرکس یا هر اجتماعی که مظلوم و طالب حق باشد، مکلف به یاری است. همچنین در انتخاب شغل یا همسر، اسلام محدودیت‌هایی را اعمال کرده و آزادی بدون قید و شرط را قبول ندارد. در مورد آزادی عقیده، از نظر اسلام فرد می‌تواند آزادانه به هرچه معتقد باشد، اما گروه‌های انحرافی نمی‌توانند آزادانه در جامعه به آموزش عقاید انحرافی و اجرای مقاصد خود بپردازند؛ چراکه موجب انحراف و ضلالت بقیه خواهند شد و حاکمیت موظف است در صورت بروز و

ظهور عقیده آنها، با آنان مقابله کند. تبعیت از قانون طبیعت که در اعلامیه حقوق بشر تصریح شده است، به‌معنای رهایی و آزادی از هرگونه قدرت و اراده مافوق انسان و فراانسانی است؛ در صورتی که در اندیشه اسلامی، سراسر هستی ملک خداوند متعال است و انسان نمی‌تواند هرگونه که بخواهد، در ملک خویش تصرف کند و اصل خودمالکی انسان، محدود به قوانین الهی می‌گردد. ازهمین‌رو در حقوق بشر، به هیچ هدفی درباره کمال و سعادت انسان در راستای زندگی او اشاره نشده است و تهذیب و خودسازی هیچ جایگاهی ندارد و توجه، فقط به ابعاد مادی زندگی انسان است.

آزادی مطرح در حقوق بشر به‌معنای آن است که هر فرد بتواند آنچه را که می‌خواهد و دوست دارد، انجام دهد و آزاد باشد؛ و اگر موجب هرج و مرج یا ضربه به دیگران شد، فقط می‌توان او را از این کار منع کرد؛ همان عامل محدودکننده «اصل ضرر»[1] که استوارت میل[2] به آن اشاره می‌کند (میل، ۱۳۸۵: ۲۴۹).

با توجه به ماده ۲۹ حقوق بشر، تنها عامل منع‌کننده آزادی‌های فردی، ایجاد مزاحمت برای دیگران در جامعه دموکراتیک است که بر اساس اصل خودمالکی،[3] زندگی هر فردی متعلق به خود اوست و ربطی به خدا و ... ندارد (آربلاستر، ۱۳۷۷: ۳۸).

ب) هم‌جنس‌گرایی: اگر هم‌جنس‌گرایی عقیده فردی شخصی باشد و کسی از فرد به‌خاطر عمل منافی عفت او شکایت نکند و شواهدی علیه او محقق نگردد، حاکمیت اسلامی هرچند وظیفه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را بر عهده دارد، از لحاظ حقوقی و کیفری حق برخورد با او را ندارد و صرفاً می‌تواند او را دعوت به اصلاح کند؛ اما اگر مسئله به شکایت یا تجمع یا آموزش در سطح اجتماعی رسید، حاکمیت به‌خاطر صیانت از اخلاق شهروندان و کمال انسانی، موظف است با آنان برخورد، و از انحراف جلوگیری کند. از موارد تفاوت حاکمیت اسلامی با شهروندی غربی در این‌گونه موارد است. آنان معتقدند هم‌جنس‌بازان باید آزادانه به فعالیت‌های خود بپردازند و حتی قوانین از این شهروندان نیز باید حمایت کنند.

سازمان جهانی بهداشت (WHO) ۱۷ می ۱۹۹۰ با انتشار ICD-10[4] هم‌جنس‌گرایی را از طبقه ICD حذف، و از فهرست اختلالات روانی خارج کرد. در سال ۲۰۰۴ روز ۱۷ می، بزرگداشت تنوع جنسی و مبارزه با «هم‌جنس‌گراهراسی»[5] نامیده شد و در سال ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در آن، حقوق LGBT[6] افراد هم‌جنس‌گرا و گرایش‌های جنسی متنوع به

1. The hame principle.
2. Mill Stuart.
3. Self possession.
4. International Classification of Diseases.
5. Homophobia.
6. Lesbian Gay Bisexual and Transgender.

رسمیت شناخته می‌شود (United Nations , 2011: A/HRC/RES/17/19).[۱]

سازمان ملل با ایجاد نهادهای حمایتی[۲] از هم‌جنس‌گرایان، به توسعه این رفتار کمک می‌کند. صرف‌نظر از جنبه شرعی، آیا این عمل غیراخلاقی محسوب می‌گردد؟! آیا این رفتار، رفتار یک شهروند اخلاق‌مدار خواهد بود یا منافی اخلاق است؟! اخلاق شهروندی به این پرسش چگونه پاسخ خواهد داد؟! در سند متعلق به کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان هم‌جنس‌گرا[۳] با توجه به دو اصل اعلامیه حقوق بشر، برابری و عدم تبعیض و آزادی، از دولت‌ها خواسته شده است موانع اخلاقی و حقوقی و کیفری هم‌جنس‌گرایی را برطرف کنند و با منع تبعیض، به زنان و مردان هم‌جنس‌گرا احترام بگذارند تا زندگی مسالمت‌آمیزی مانند سایر شهروندان داشته باشند. هر انسان اخلاق‌مداری این رفتار را با فطرت انسانی و الهی ناسازگار می‌داند، اما سازمان‌های بین‌المللی به‌دنبال نهادینه کردن این رفتار و ایجاد ساختارها برای شهروند جهانی در این راستا می‌باشند و قوانین جهانی از این رفتار غیراخلاقی شهروند حمایت می‌کنند.

دو. رسانه

جهانی‌شدن نیازمند رسانه جهانی است تا بتواند افراد در جامعه جهانی را با ایجاد ارزش‌های مشترک، به شهروندان جامعه جهانی تبدیل کند. جهانی‌شدن با رشد فناوری‌های نوین، ارتباطی عمیق دارد. انقلاب در عرصه ارتباطات، باعث به وجود آمدن «جامعه اطلاعاتی»[۴] شده است که بر تمام جنبه‌های زندگی شهروندان، اثرگذار است. نظام سرمایه‌داری جهانی در حوزه سیاست‌گذاری برای روند جهانی‌شدن و به هدف تأثیرگذاری بر اخلاق شهروندی ملت‌ها، به‌دنبال یکسان‌سازی و همگن‌سازی فرهنگی از طریق رسانه است. درواقع شاهد ظهور «امپریالیسم رسانه‌ای»[۵] در جهت زمینه‌سازی برای امپریالیسم فرهنگی هستیم که شیوه جدیدی از غلبه بر کشورهای جهان است و باعث وابستگی کشورها و بازداشتن آنها از توسعه می‌شود (Schiller, 1969:95).

جهان امروز جهان سلطه است؛ سلطه رسانه برای تغییر ارزش‌ها، از طریق روش‌های اقناعی که با هدف یکسان‌سازی فرهنگی انجام می‌شود.

ـ تغییر مرزهای هویتی

رویکرد عصر جدید برای انتقال فرهنگ و تغییر ارزش‌ها، ابزار رسانه است؛ ابزاری نامرئی و پیچیده که با

---

۱. ر.ک: Human rights, sexual orientation and gender identity 19/17

2. lGHRC.

۳. شماره سند: HR/PUB/12/06 متعلق به (IGHRC) وابسته به دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR).

4. Information society.

5. Media Imperialism.

کمترین هزینه فیزیکی، اهداف مورد نظر را توسعه، و مقاومت‌ها را کاهش می‌دهد (تافلر، ۱۳۸۵: ۵۷).

فناوری‌های جدید و رسانه‌ها یک جریان یک‌سویه فرهنگی ایجاد کرده‌اند. جوامع مجازی و اطلاعاتی هویت جدیدی برای شهروندان تعریف می‌کنند که بر هویت و ارزش‌های اخلاقی آنان تأثیر خواهد داشت. پاستر[1] معتقد است جامعه اطلاعاتی با ایجاد هویت جدید، ذهنیت‌ها و هویت‌های ناپایدار و پراکنده را به‌وجود خواهد آورد (پاستر، ۱۳۷۷: ۶۸). هویت، مجموعه‌ای از ارزش‌های ثابت و معین نخواهد بود؛ چون انسان امروز به‌دلیل گستره ارتباطات از مرزهای ملی فراتر رفته و آمیختگی جهانی یافته است. شایگان بر این باور است که این افراد، صاحب هویتی جدید می‌گردند؛ هویتی که برخلاف هویت کلاسیک، یکدست نخواهد بود و مرکب است. این هویت، در سطح افقی و در اتباط با دیگر افکار و فرهنگ‌ها شکل می‌گیرد و تعلقی به گذشته خود ندارد و یک هویت چهل‌تکه خواهد بود (شایگان، ۱۳۸۰: ۳۶).

نگهداشت هویت ثابت برای شهروندانی که در طول شبانه‌روز در معرض امواج رسانه‌ها هستند و تنوع و تکثر را تجربه می‌کنند، کاری بس دشوار است.

جریان انتقال فرهنگی به مدد رسانه‌های جمعی و فناوری‌های جدید، قدرت نرم خود را گسترش داد و توانست اندیشه‌ها و افکار شهروندان را به‌سمت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خویش معطوف سازد (ملیسن، ۲۰۰۵: ۲۷). اخلاق شهروندان در جامعه، تافته جدابافته از این روند نخواهد بود. ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و دغدغه‌مندی‌ها، در معرض تندباد رسانه‌ها برای تغییر قرار دارد. حاکمیت اسلامی در ترویج اخلاق شهروندی در بین شهروندان، دچار چالش خواهد شد. رایزمن ویژگی رسانه را در دوره سوم (دگرراهبر)، هدایت از راه دور، شیءسروری و بحران هویت بیان می‌کند و معتقد است در این دوره، رسانه‌ها انسان را می‌سازند و فرهنگ جدید جایگزین فرهنگ قبلی می‌گردد.

رایزمن[2] در کتاب انبوه تنها[3]، سیر تغییر و تحول جوامع را ناشی از رسانه‌ها می‌داند و با بیان این سه دوره از زندگی برای انسان، به تبیین نقش رسانه‌ها می‌پردازد:

الف) دوره اول: سنت‌راهبر

سنت‌ها، فرهنگ جامعه را انتقال می‌دهند و نسل جدید با اشتراک با نسل قدیم، با ارزش‌ها و فرهنگ آشنا شده، همان مسیر را ادامه می‌دهد. ارتباطات چهره به چهره و رفتارهای سنتی، بیان حماسه‌ها، افسانه‌ها و ... به تربیت فرد می‌انجامد.

---

1. Mark Paster.
2. Riesman.
3. Lonely Crowd.

ب) دوره دوم: درون‌راهبر

در این دوره از اهمیت سنت کاسته می‌شود و بالتبع تشابه رفتاری نیز کاهش می‌یابد. الگوهای یکسان در حیات اجتماعی وجود ندارد. در این دوران، مکتوبات و نوشتارها نقش ویژه‌ای در انتقال فرهنگ ایفا می‌کنند.

ج) دوره سوم: دگرراهبر

از خصوصیات این دوره، حضور پررنگ وسایل ارتباط جمعی است و ویژگی آن، هدایت از راه دور، شیءسروری و بحران هویت است. رسانه‌ها توده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و انسان در این دوره به‌شدت تحت تأثیر رسانه‌ها آسیب‌پذیر است و الگوهای اجتماعی خود را از آنان اخذ می‌کند و به‌دنبال حذف ارزش‌ها، سنت‌ها و ... خواهد بود. در این دوره رسانه‌ها انسان را می‌سازند و فرهنگ قبلی از بین می‌رود و فرهنگ جدید ظهور خواهد کرد (رایزمن، ۱۹۶۹: ۱۱۲ ـ ۱۱۱).

رسانه‌ها الگوهای انسان را تشکیل می‌دهند و ساختارهای ذهنی جدیدی به وجود می‌آورند و انسان از خود بیگانه شده و با تداوم اثرگذاری رسانه، افراد متحدالشکل می‌شوند و رفتارها و هنجارهای همسان ایجاد خواهد شد که نشان‌دهنده ایجاد هویت جدید است.

ـ همگن‌سازی ارزش‌های اخلاقی در راستای شهروند جهانی

رسانه با شیوه‌های مختلف، با توجه به اهداف جهانی، سعی در ایجاد تردید در باورها و نگرش‌های دینی و ارزش‌های مخاطبان خود دارد. انتشار رسانه در سطح جامعه و در دسترس بودن آن، مخاطبان پرتعدادی را جذب کرده است و باعث تأثیرگذاری بر اخلاق شهروندان و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و اسلامی شده است.

رسانه‌های جهان درواقع در جهت توسعه سرمایه‌داری جهانی و سلطه فرهنگی و ایجاد دغدغه‌های کاذب فرهنگی در جامعه، عمل می‌کنند (Schiller, 1976: 9)

همگونی جهانی امروز عمدتاً از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد و رسانه‌ها روندی را در پیش گرفته‌اند که منجر به «همسان‌سازی»[1] در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌گردد.

نقش رسانه‌ها در زندگی و اخلاق شهروندان در جهان معاصر، به موضوعی مهم تبدیل شده است؛ به‌عنوان نمونه نقش رسانه در تغییر ارزش اخلاقی قناعت و صرفه‌جویی به مصرف‌گرایی و ترغیب شهروندان به آن، قابل توجه است. طبق «نظریه کاشت»[2] جرج گربنر[3] معتقد است روند تأثیرگذاری

1. Homogenization.
2. Cultivation theory.
3. George Gerbner.

رسانه‌ها بر اندیشه و رفتار افراد، چهارگانه است:

۱. کاشت، روند رو به تزاید دارد؛

۲. تماشای رسانه‌ها رفتاری غیرانتخابی است؛

۳. روند کاشت، چندوجهی است؛

۴. کاشت، به رایج‌سازی یک روند می‌انجامد.

افزایش میزان کاشت به‌معنای تأثیرپذیری بیشتر از رسانه، و بیانگر درون‌سازی نگرش رسانه در مخاطبان خود است. درواقع هرچه بیشتر با رسانه ارتباط داشته باشیم، اندیشه‌های ما به آن شبیه‌تر خواهد شد. گربنر معتقد است کاشت شبیه یک فراگرد جاذبه‌ای است که بر اساس یک حرکت پیش‌رونده، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او آن‌گونه که رسانه می‌خواهد، جهان و واقعیت اجتماعی را خواهد دید (رضوی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

تکرار و استمرار پیام‌ها به‌دنبال از بین بردن فرهنگ‌های بومی و اقلیت‌ها و یکدست کردن سبک زندگی افراد جامعه است. طبق نظریه «رقابت عمودی»[1] ژولیت اسکور[2] طبقات مختلف اجتماعی به طبقات بالاتر از خود توجه و اشتیاق دارد و سعی می‌کند خود را به آنها نزدیک کند و چون خصوصیات طبقه بالاتر، مصرف‌گرایی است و رسانه‌ها نیز به‌دنبال نمایش دادن سبک زندگی طبقات بالا به جهت تبلیغ محصولات خود هستند، به‌گونه‌ای یک هنجار شایع مصرفی ایجاد می‌شود و اخلاق مصرف‌گرایی شهروندان تحت تأثیر واقع می‌شود (Schor, 2002: 5).

رسانه‌ها در دنیای امروز، ارزش‌ها و هنجارها و سعادت را برای مخاطبان خود تعریف، و معنای جدیدی از آن ارائه می‌کنند. آنها از طریق فناوری، درصدد تأثیر بر تفکر و عقاید مخاطبان خود هستند. در روند جهانی‌شدن نیز هنجارها و سبک زندگی خاص، به‌عنوان الگو مطرح می‌شود و مادی‌گرایی، مصرف‌گرایی و ارزش‌های طبقه ممتاز به نمایش درمی‌آید و جامعه تأثیر گرفته، به‌سمت اهداف آن رسانه‌ها حرکت خواهد کرد.

والرشتاین[3] معتقد است وضعیت فعلی رسانه، نتیجه نظام سرمایه‌داری و تمدن غربی است که در راستای جهانی‌شدن، با تفکر سرمایه‌داری و لیبرالیسم در حال گسترش است و بر فرهنگ کشورها تأثیرگذار است (Wallersstein, 1974, 125).

پژوهش‌های میدانی نیز قدرت رسانه در تغییر ارزش‌ها را تأیید می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، نتایج تحقیق

---

1. Vertical Emulation.
2. Juliet Schor.
3. Wallerstein.

در یک پژوهش میدانی نشان داده است که استفاده از ماهواره، با میزان دین‌داری افراد و سبک زندگی آنان ارتباط دارد و نقش یک متغیر تعدیلگر قوی را بین رابطه میزان دین‌داری با سبک زندگی ایفا می‌کند و رابطه این دو متغیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ویسه و پناهی، ۱۳۹۴: ۴).

۴. راهکارها

جهانی‌شدن با این روند، نگرانی‌هایی را حتی در بین اندیشمندان غربی نیز که دغدغه مسائل اخلاقی دارد، ایجاد کرده است. استیگلیتز[1] معتقد است جهانی‌شدن با این روند، فعلی غیراخلاقی است و آثار مخربی در تمامی عرصه‌ها مانند اقتصاد، سرمایه‌های اجتماعی، خانواده و اخلاق به‌دنبال دارد و کشورهای صنعتی با ترفند جهانی‌شدن، اصول اخلاقی را زیر پا می‌گذارند. او برای خروج از این روند، نظریه به‌زیست حداقلی[2] انسان را مطرح می‌کند. همه انسان‌ها باید از حداقل‌هایی در زندگی بهره‌مند گردند و همه سازمان‌ها موظف به تأمین آن هستند (Stiglitz 2006:78). وی اصول اخلاقی صداقت، انصاف، عدالت اجتماعی، امور محیطی و مسئولیت و مشارکت را از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای ارزیابی اخلاق جهانی بیان می‌کند. ایده او برای رسیدن به چنین هدفی، نهادینه شدن مردم‌سالاری در نهادهای بین‌المللی است (Stiglitz 2006:164). در این مورد استیفن[3] در مقاله «نظریه‌ای وطن‌دوستانه برای روزنامه‌نگاری» معتقد است باید نظریه‌ای جدید و فراملی با توجه به ارزش‌های اخلاقی بیان کرد. او در ارائه الگوی خود از دو مؤلفه اخلاق عقلانی و وطن‌دوستی معتدلانه بهره می‌برد (Ward & Wasserman, 2010: 43).

اخلاق شهروند جهانی بر مبنای اسلامی، توان ایجاد گفتمان فراتر از مرزهای عقیدتی و ملی و جغرافیایی و تبدیل به اخلاق جهانی را دارد و دارای اصول اخلاقی است که می‌تواند مورد توافق و تفاهم شهروندان جهان‌وطنی قرار گیرد و دو مؤلفه جمع‌گرا بودن[4] و زیست اخلاقی[5] زمینه‌ساز آن است.

۴ـ۱. ایجاد گفتمان اخلاقی

مؤلفه‌های اخلاقی که می‌تواند در حوزه اخلاق اسلامی برای گفتمان جهانی شهروند اخلاقی مورد توجه قرار گیرد، عبارتند از:

---

1. Stiglitz.
2. Moral life theory
3. Stephen.

۴. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً. (بقره / ۲۱۳)

۵. إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (مجلسی: ۱۴۰۳: ۶۸ / ۳۸۲)

٤ـ١ـ١. گفتمان برابری

در آموزه‌های اخلاقی اسلام، افراد از هر نژاد، ملیت و جنسیت، هیچ ترجیحی بر فرد دیگر پیدا نمی‌کند و این تفاوت‌ها صرفاً به‌دلیل ارتباط‌گیری بهتر است (حجرات / ۱۳) و هر فرد دارای کرامت ذاتی است (مؤمنون / ۱۴).

حضرت علی‌علیه‌السلام در نامه‌ای به مالک اشتر به او توصیه می‌کند که هیچ تفاوتی میان شهروندان حکومتش قائل نگردد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

٤ـ١ـ٢. گفتمان خیر مشترک

انسان‌ها به‌دلیل زیست و سرشت مشترک و تعامل گسترده، خواهان خیر مشترک برای همگان هستند. شهروندان جهانی از نگاه اسلامی کسانی هستند که همواره خواهان خیر و خوبی برای دیگران هستند و هرچه برای خود نیک می‌پندارند، آن را برای دیگران نیز آرزو می‌کنند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). فردمحور بودن و بی‌توجهی به دیگران و همنوعان در اخلاق اسلامی جایگاهی ندارد. در این خیر خواستن و احسان و توجه به همنوع، ایمان و اسلام شرط نیست؛ همان‌طور که در ادعیه ما رفع بیماری، رفع فقر، گرسنه نبودن انسان‌ها و ... از خداوند برای همه انسان‌ها خواسته می‌شود (سیدبن‌طاووس، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۹).

در زیست جهانی اخلاقی می‌توان برای همه ساکنان زیست‌بوم کره زمین آرزوی خوبی و دوری از بدی‌ها را داشت.

٤ـ١ـ٣. گفتمان آزادی

٤ـ١ـ٣ـ١. آزادی عقیده

در اسلام هیچ‌گونه اجباری برای پذیرش دین و عقیده خاص، پذیرفتنی نیست. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ.» (بقره / ۲۵۶). مفسرین برای این آیه سه شأن نزول مطرح کردند:

الف) برخی از فرزندان مردم مدینه یهودی شدند و هنگام خروج یهودیان از مدینه همراه آنان مهاجرت کردند. پدران آنها از پیامبر پرسیدند: آیا می‌توان آنها را اجبار کرد که به اسلام برگردند؟! پیامبر فرمود: اکنون که خود انتخاب کردند بگذارید بروند. سپس آیه فوق نازل شد (واحدی، ۱۳۸۳: ۴۶).

ب) مردی از انصار که مسلمان بود، پسر مسیحی داشت. از پیامبر درخواست کرد که اجازه دهد آنان را مجبور به اسلام کند. پیامبر به او اجازه نداد (طبرسی، ۱۴۱۵: ۱۱۲).

ج) برخی گفتند که شأن نزول آن بود که مردی از انصار، غلام خود را بر اسلام اجبار کرد. سپس آیه نازل شد.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌نویسد: دین مجموعه معارفی است که هیچ اکراه و اجباری در آن راه ندارد. اگر این کلام خداوند یک جمله خبری حکایتگر از تکوین باشد، حکم به نفی اکراه بر دین و اعتقاد را نتیجه می‌دهد و اگر یک حکم انشایی تشریعی باشد، نهی از اکراه نهی‌ای است که متکی بر حقیقت تکوینی است (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۳ / ۱۲۵).

در هر صورت، اینکه افراد در حاکمیت اسلامی مجبور به انتخاب عقیده خاصی نیستند، از حقوق اولیه شهروندان خواهد بود و فضیلت اخلاق در حاکمیت اسلامی اقتضای اجبار را ندارد.

٤ـ۱ـ۳ـ ۲. آزادی بیان

هرکسی عقیده به دین دیگری پیدا کند، خواندن، شنیدن و بیان آموزه‌های آن برای هم‌کیشان او جایز خواهد بود؛ چراکه در غیر این صورت آزادی عقیده معنا نخواهد داشت؛ و در آزادی بیان نیز تا آنجا آزاد خواهد بود که باعث ضلالت و گمراهی دیگران یا توطئه علیه حاکمیت اسلامی نباشد. سیره حضرت امیرعلیه‌السلام در برخورد با مخالفان، نشان‌دهنده این واقعیت است؛ چنان‌که وقتی خریت بن راشد، از خوارج، در مسجد کوفه قسم خورد که دیگر از آن حضرت اطاعت نخواهد کرد و سخنان تندی بر زبان راند، حضرت او را به گفت‌وگو دعوت کرد و با آنکه شاید، با علم الهی، اطلاع داشت که هدایت نخواهد شد یا خواهد گریخت، در پاسخ به اعتراض اصحاب خود، فرمود: اگر هرکس را که به او گمان بد داریم، دستگیر و زندانی کنیم، زندان‌ها را پر می‌کنیم. من برای خود جایز نمی‌دانم که مردم را مجازات کنم، مگر آنکه مخالفت عملی خود را با ما اظهار کنند (طبری، ۱۴۰۹: ۴ / ۸۸).

٤ـ۱ـ۳ـ ۳. حریم خصوصی

حریم خصوصی مفهومی پرکاربرد در جهان است و تعاریف متعددی از آن شده و بر اساس عرف و حاکمیت و فرهنگ هر جامعه، تعریفی از آن وجود دارد.

طباطبایی در تعریف حریم خصوصی آورده است:

> حریم خصوصی آزادی عمل فرد در حریم خانه، روابط، مکالمات و اسرار شخصی است که فرد، مصون از کنجکاوی‌های سایرین است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۵۵).

برخی دیگر هر امری را که فرد بتواند به‌طور فیزیکی یا الکترونیکی در کنترل خود داشته باشد، حریم خصوصی می‌دانند (شهریاری، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

درمجموع می‌توان گفت حریم خصوصی مربوط به حریم‌های اطلاعاتی یا فیزیکی فرد است که تمایل ندارد دیگران بدون اجازه از آن مطلع گردند و به‌گونه‌ای است که حریم دیگران را مورد تعرض قرار

میدهد. در آموزه‌های اخلاق اسلامی، نهی از تجسس در امور شخصی افراد، نهی از ورود بدون اجازه به خانه افراد، نهی از نگاه کردن به نوشته‌ای که شخص تمایل ندارد دیگران آن را ببینند، نهی از غیبت، حفظ آبروی مؤمن، حسن ظن به مردم، نهی از خبرچینی، نهی از استفاده بدون اجازه از وسایل افراد و ... همگی دلالت می‌کند بر اینکه در اسلام، محدوده‌ای از زندگی فرد لحاظ شده است که می‌تواند در آن محدوده، بدون قضاوت و دخالت دیگران زندگی کند.

حضرت امام خمینی نیز در فرمان هشت‌ماده‌ای خود، مورخ ۲۴ آذر ۱۳۶۱ بر حفظ حریم خصوصی افراد تأکید کردند (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۷ / ۱۳۹).

۴ـ۲. ایجاد ساختار

در جهان معاصر، ساختارها و سازمان‌ها، نقش مهمی در توسعه و ترویج یک فکر یا عقیده دارند. بنابراین نمی‌توان به ظرفیت ساختارها بی‌توجه بود.

٤ـ۲ـ۱. نهاد خانواده

خانواده مهم‌ترین رکن در تربیت و آموزش اخلاق است و نقش مؤثر و دامنه‌داری در ساختارهای جهانی خواهد داشت. بر همین اساس، نظریات متفاوتی در مورد خانواده وجود دارد: نظریه رشد خانواده،[1] نظریه دوره‌های حیات خانواده،[2] نظریه انتقال نقش،[3] نظریه گزینش عاقلانه،[4] نظریه گذار،[5] نظریه فمینیستی و نظریه بوم‌شناختی[6] که با توجه به مبانی اسلامی، بستان معتقد است نظریه «فطرت خانواده‌گرایی» به نظریه اسلام نزدیک‌تر است (بستان، ۱۳۹۳: ۸)؛ به دلیل اینکه تشکیل خانواده، امری فطری و مقدس و ارزشمند به شمار می‌رود.

در نگاه اسلامی، جامعه مطلوب، جامعه‌ای خانواده‌محور است و تربیت و آموزش اخلاق (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۴) و جامعه‌پذیر کردن افراد و توجه به شرایط و تحول زمان در فرایند تربیت، مهم‌ترین کارکرد خانواده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰ / ۲۶۰).

سازمان ملل از سال ۱۹۹۴، پانزدهم ماه می هر سال را روز جهانی خانواده اعلام کرد. پذیرش اصل بنیان خانواده و کارکرد تربیتی آن، ظرفیت تبدیل به یک گفتمان جهانی برای ایجاد اخلاق شهروند

---

1. Family development theory.
2. Family life course theory.
3. Role transition theory.
4. Rational choice theory.
5. Transition theory.
6. Ecological theory.

جهانی را دارد و خانواده می‌تواند در روند جهانی‌شدن تأثیرگذار باشد. تربیت صحیح در خانواده می‌تواند نقش مؤثری در جلوگیری از تغییر هویت توسط رسانه‌ها داشته باشد؛ ازاین‌رو قرآن کریم به پاسداشت و حفظ حریم خانواده توصیه می‌کند (تحریم / ۶).

٤ـ۲ـ۲. ایجاد ساختارهای اخلاقی جهانی

بدون تردید، گسترش یک تفکر و ایجاد رفتار اخلاقی مشترک بین شهروندان، نیازمند ساختارهای جهانی و آموزش و ایجاد گفتمان اخلاقی است. گرایش شهروندان جهانی به خوبی‌ها به‌دلیل سرشت و فطرت انسانی مشترک، رویکردی اخلاق‌مدار را ایجاد می‌کند که سازمان‌های جهانی باید آن را تقویت و نهادینه سازند؛ به‌گونه‌ای که افراد فاسد و رسانه‌های غیراخلاقی نتوانند به‌راحتی بر روند اخلاقی جامعه تأثیرگذار باشند؛ همان‌گونه که سازمان‌های اقتصادی در جهان، سازمان تجارت جهانی (WTO)[1] را ایجاد کردند و همه نهادهای اقتصادی به‌گونه‌ای ملزم به رعایت قوانین آن هستند. حتی از دیدگاه اخلاق غیردینی، سازمان‌های اخلاق‌مدار به دلیل آنکه باعث رضایتمندی افراد و کاهش تنش‌ها می‌گردند، مطلوب است.

رابرت استارت[2] وجود معیار اخلاقی در سازمان را نشانه مدیریت توانمند و موفق می‌داند و سه مضمون اخلاقی اساسی نقد، عدالت و مراقبت را برای ساخت مکتب اخلاقی لازم می‌داند (Starratt, 1991: 185-220). بنابراین ایجاد سازمان جهانی اخلاق و سازمان‌های اخلاقی در سطوح ملی و نظارت بر تمام فعالیت‌های سازمان‌های جهانی و پیوست اخلاقی فعالیت آنها و منشور اخلاق بین‌المللی که بتواند از ترویج انحرافات اخلاقی جلوگیری کند، ضروری به نظر می‌رسد. امروزه کمبود یک سازمان اخلاق مستقل در سطح جهان که با تفاهم جهانی ایجاد شود و مانند اعلامیه حقوق بشر مبتنی بر تفکر لیبرالیسم نباشد، احساس می‌شود.

نتیجه

جهانی‌شدن دارای نکاتی مثبت و منفی است؛ اما بدون شک در حوزه اخلاقی، تأثیرات مهمی بر اخلاق شهروندان خواهد گذاشت؛ به دلیل آنکه رسانه و سازمان‌های جهانی در اختیار کشورهایی است که به‌دنبال ایجاد ارزش‌های مشترک بر اساس مبانی خود در سطح جهان هستند. این رویکرد، بدون شک چالش‌های اخلاقی در شهروندان ایجاد خواهد کرد؛ چالش‌هایی که خواسته یا ناخواسته جامعه با آن مواجه خواهد شد؛ چراکه قدرت رسانه و سازمان‌های جهانی، فراتر از مرزهای ملی‌اند و شهروندان ما نیز

1. World Trade Organization.
2. Robert Starratt.

بخشی از این جامعه جهانی را شکل می‌دهند. بدون تردید با تمرکز بر گفتمان اخلاق اسلامی و عمل‌گرایی در آن، می‌توان هویت اخلاقی شهروندان را حفظ کرد و در سطح جهانی بر ساحت اخلاق شهروند جهانی، تأثیرگذار بود.

حضور منفعل و انحصارگرایی در اخلاق نمی‌تواند در مقابل این موج مقاومت کند. باید اخلاق شهروندان به حوزه کنشگری فعال تبدیل شود و با مبانی اخلاق اسلامی در مقابل نظریات اخلاق شهروند جهانی به تبیین و استدلال پرداخت. تقویت ظرفیت اخلاق اسلامی و عقلانیت در آن و تمرکز بر نهاد خانواده و سازمان‌های جهانی اخلاق‌مدار، می‌تواند شهروند جهانی را در قلمرو مرزهای اخلاقی، فارغ از هر نژاد، دین و ملیتی، حفظ کند.

منابع

الف) کتاب‌ها

- آر بلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). ***ظهور و سقوط لیبرالیسم غربی***. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴). ***شرح نهج‌البلاغه***. قم: مکتبه المرعشی.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰). ***طبقات الکبری***. قم: دارالکتب العلمیه.
- بستان، حسین (۱۳۹۳). ***خانواده در اسلام***. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بصیرنیا، غلامرضا (۱۳۸۱). ***نسبت دموکراسی و مکتب‌های سیاسی***. قم: معارف.
- بلامی فاستر، جان (۱۳۸۳). ***کشف دوباره امپریالسم***. ترجمه اکبر معصوم‌بیگی. تهران: نشر دیگر.
- بلامی، ریچارد (۱۳۹۴). ***شهروندی***. ترجمه عبدالرضا سالار بهزادی. تهران: بصیرت.
- پاستر، مارک (۱۳۷۷). ***عصر دوم رسانه***. ترجمه غلام‌حسین صالحیار. تهران: مؤسسه ایران.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). ***نهج الفصاحه***. تهران: دنیای دانش.
- تافلر، آیدین و هایدی (۱۳۸۵). ***به‌سوی تمدن جدید: سیاست در موج سوم***. ترجمه محمدرضا جعفری. تهران: علم.
- تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). ***تصنیف غررالحکم و دررالکلم***. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۴). ***روابط بین‌الملل در عصر نوین***. ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران. تهران: ابرار معاصر.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۳). ***حیات معقول***. تهران: سیما.

- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). ***وسائل الشیعه فی تحصیل المسائل الشریعه***. قم: مؤسسه آل البیت.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). ***صحیفه نور***. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دادگران، سید محمد (۱۳۸۴). ***مبانی ارتباط جمعی***. تهران: فیروز.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). ***لغتنامه***. تهران: دانشگاه.
- ریترز، جرج (۱۳۷۹). ***نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر***. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۰). ***افسون‌زدگی جدید، هویت چهل‌تکه و تفکر سیار***. ترجمه فاطمه ولیانی. تهران: فروزانفر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۵). ***المیزان فی تفسیر القرآن***. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، منوچهر (۱۳۸۲). ***آزادی‌های عمومی و حقوق بشر***. تهران: دانشگاه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). ***مجمع البیان***. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹). ***تاریخ طبری***. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۹). ***اندیشه‌های اهل مدینه فاضله***. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: سازمان چاپ.
- فارابی، محمدبن‌محمد (۱۳۹۸). ***آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها***. قم: دار زین‌العابدین.
- فالکس، کیث (۱۳۹۸). ***شهروندی***. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کبیر.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۱). ***دین در محدوده عقل محض***. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). ***کافی***. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۳). ***جهانی‌شدن فرهنگ و هویت***. تهران: نشر نی.
- مارتین خور (۱۳۹۷). ***جهانی شدن و جنوب***، ترجمه احمد ساعی. تهران: نشر قومس.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). ***بحار الانوار***. بیروت: دار احیا التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۵). ***بحار الانوار***. بیروت: دار احیا التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳). ***میزان الحکمه***. قم: دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). ***التحقیق فی کلمات القرآن***. تهران: آثار علامه مصطفوی.
- میل، جان استوارت (۱۳۸۵). ***رساله درباره آزادی***. ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- واترز، مالکوم و دیگران (۱۳۸۳). ***جامعه سنتی و جامعه مدرن***. ترجمه منصور انصاری. تهران: نقش جهان مهر.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). ***جهانی‌شدن***. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- واحدی، علی بن احمد (۱۳۸۳). ***اسباب النزول***. ترجمه علیرضا ذکاوتی. تهران: نشر نی.

ب) مقاله‌ها

- رضوی‌زاده، سید نورالدین (۱۳۸۴). بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی. ***فصلنامه علوم اجتماعی***. ۱۲ (۳).
- شهریاری، حمید (۱۳۸۶). جامعه خصوصی و جامعه اطلاعاتی. ***مجله علمی پژوهشی دانشگاه قم***. ۸ (۱).
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۱). سرمایه‌های اجتماعی. ***فصلنامه مدیریت***. ۹ (۲).
- الوانی، سید مهدی و سید نقوی، میرعلی (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. ***فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول***. ۹ (۲).
- ویسه، سید مهدی و بلال پناهی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر استفاده از ماهواره بر رابطه بین میزان دین‌داری و سبک زندگی دانشجویان دانشگاه ایلام. ***پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی***. ۲ (۱).
- Baylis, john (1997). ***The Globalizotion of World Polotices***. Oxfordu universiry Press.
- Daniel warner, citizenship (1997). ***Encyclopedia of Applied Ethics***. Academic Press.
- Fukuyama, I (1992). ***The end of History and the last man***. New York: free press.
- Human rights, ***sexual orientation and gender identity*** 19/17.
- Melissen, Jan. (2005). The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice. In The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations, edited by Jan Melissen, 3-27. New York: Palgrave MacMillan.
- Meron T. (2006). ***The Humanization of International Law***. London: Martin Nijhoff Publishers.
- Riesman, David & with Nathan Glazer, and Reuel Denney (1969) ***Lonely Crowd. Abridged edition, with a preface***. New Haven & London: Yale University Press.
- Santiago A (2010). ***Contextual Theology and Revolutionary Transformation in Latin America: The Missiology of M. Richard Shaull***. Oregon: Wipf and Stock Publishers.
- Schiller, H (1976). ***Communication and Cultural Domination***. New York: International Arts and Sciences Press.
- Schiller, H. I (1969). ***Mass Communications and American Empire***. New York: A. M. Kelley.

- Schor, Juliet (2002). ***Understanding the New Consumerism, Inequality, Emulation and the Erosion of Well-Being***. PSW-Paper.
- Starratt, Robert J. ***Building an ethical shool: a theory for practice in Educational leadership Educational Administration Quarterly***. Vol, 27, No. 2, 1991.
- Stiglitz (2007) ***Making Globalization Work Paperback***. W. W. Norton & Company.
- Wallersstein, I (1974). ***The Rise and Future Demise of World Capitalist System***. Cambridge: Cambridge University Press.
- Ward, Stephen & Wasserman, Herman, (eds) (2010). ***Media Ethics Beyond Borders***. Routledge.
- Warner, Daniel (1999). ***Citizenship***. Encyclopedia of Applied Ethics.